

تعیین انتساب چند شعر به شیخ بهایی

جواد بشری*

چکیده

سروده‌های شیخ بهایی از روزگار حیاتش مورد توجه بوده و برخی از آن‌ها در تذکره‌ها و منابع دیگر ثبت شده است. اما یکی از مصادر اصلی سروده‌های قطعی شیخ، آثار مسلم خود او، و از همه مهم‌تر کَشکول است. بازسازی دیوان اشعار شیخ نیز که در دهه‌های اخیر چند مرتبه تجربه شده، به شیوه‌های غیرانتقادی بوده و قابل اعتنای چندانی نیست. اگر در تشخیص سروده‌های قطعی شیخ بهایی، کَشکول را ملاک قرار دهیم، وضعیت برخی از این سروده‌ها به بهترین شکل روشن، و به احتمال قوی از دایره اشعار شیخ خارج خواهد شد. اما مهم آن است که مراجعه به کَشکول به شیوه انتقادی و با بررسی نسخه‌های متعدد این کتاب باشد، زیرا هنوز تصحیح علمی از این منبع ارزشمند صورت نگرفته و، از این رو، در شناسایی سروده‌های شیخ حتی در کَشکول نیز، بایستی به دست‌نویس‌های کهنی از آن مراجعه کرد. *مجله علمی پژوهشی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* در پژوهش حاضر، برخی اشعار مشهور منسوب به شیخ بهایی، با این روش انتقادی بررسی، و انتساب آن‌ها به او تعیین شده است.

کلیدواژه‌ها: شیخ بهایی، کَشکول، رباعی، تذکره، شعرشناسی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۳

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران / j.bashary@ut.ac.ir

مقدمه

شیخ بهاء‌الدین محمد جبل عاملی حارثی همدانی، مشهور به شیخ بهایی (ز. ۲۷ ذی‌حجّه ۹۵۳ ق، بعلبک - ۱۲ شوال ۱۰۳۰ ق، اصفهان، مدفون در مشهد)، فرزند شیخ عزالدین حسین (۹۱۸-۹۸۴ ق) فرزند عبدالصمد، یکی از تأثیرگذارترین عالمان ایران در اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری است. او برای مدّت طولانی، صاحب یکی از مناصب مهمّ دینی در دربار صفویان و یک چند نیز «شیخ‌الاسلام» دستگاه شاه عباس اول (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) بود و در شاخه‌های مختلفی از علوم دینی و جز آن، و نیز در تربیت علم‌آموزان در عهد خویش، تأثیر بسیار داشت.

شیخ بهایی بخشی از احوال شخصی خویش را در سروده‌هایی کوتاه به عربی و فارسی درج کرده و لحظات و تجربیات خاص روحی و اندیشگی پربار خویش را به‌شکلی تأثیرگذار ثبت نموده است. در بسیاری از مراجع، تذکرة الشعراها و مآخذ تاریخی زمان حیات او و پس از آن، به وجه شاعری وی تصریح شده است (برای نمونه، نک. اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۸۲۳/۲-۸۲۹؛ نوشاهی، ۱۳۸۶: ۱۴۲-۱۴۹؛ صادقی کتابدار افشار، ۱۳۲۷: ۴۰-۴۱؛ خیام‌پور، ۱۳۶۸: ۱/۱۴۷). از آن‌جا که هیچ نسخه‌ی تدوین‌شده‌ی معتبر و اصیلی شامل همه‌ی مثنوی‌ها، غزل‌ها، رباعیات، مقطعات و مفردات فارسی شیخ به دست نیامده، همیشه درباره‌ی تعداد سروده‌های او به فارسی و عربی تردید وجود داشته است. کوتاه‌زمانی پس از عهد شیخ، محمدرضا فرزند شیخ حرّ عاملی (د. ۱۱۱۰ ق) به گردآوری اشعار وی پرداخت (الحرّ العاملی، ۱۳۸۵ ق: ۱۵۷: «وَلَهُ شَعْرٌ كَثِيرٌ حَسَنٌ بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارْسِيَّةِ مَتَفَرَّقٌ، وَقَدْ جَمَعَهُ وَلَدِي مُحَمَّدْرُضَا الْحَرَّ فَصَارَ دِيوَانًا لَطِيفًا»)، اما هیچ دست‌نویسی از این تدوین برجای نمانده است. طبق نظر آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳ ق: ۱۴۳/۹)، اقدام محمدرضا ظاهراً ناظر به سروده‌های عربی شیخ بوده است. در روزگار معاصر، کوشش‌هایی که منجر به تدوین مجموعه‌ی سروده‌های شیخ باشد، کم نبوده، و البته هیچ‌یک را نمی‌توان چاپ انتقادی بی‌نقصی به‌شمار آورد. جدا از چاپ‌های سنگی فراوانی که از منظومه «نان و حلوا» و گاه همراه با برخی دیگر از اشعار شیخ در زمان رواج چاپ

سنگی و چاپ سربی در بلاد اسلامی عرضه می‌شده (برای نمونه، نک. مشار، ۱۳۵۰: ۵۱۵۱/۵-۵۱۵۲؛ نوشاهی، ۱۳۶۵: ۷۱۷/۱؛ همو، ۱۳۶۹: ۱۲۶۲/۲؛ صدرایی خویی و حافظیان بابلی، ۱۳۸۳: ۲۳۴)، در ۱۳۱۶ش، برای نخستین بار سعید نفیسی در کتابی با عنوان «احوال و اشعار فارسی شیخ بهائی»، شماری از سروده‌های او را که از منابع گردآوری کرده بود منتشر کرد (نفیسی، ۱۳۱۶). همچنین، غلامحسین جواهری در چاپی که شاید از فراگیرترین مجموعه‌ها از اشعار فارسی شیخ بهایی باشد، احتمالاً در دهه پنجاه خورشیدی، بر اساس کَشکول شیخ بهایی و نیز دست‌نویسی از یک جُنگ خطی متأخر حاوی سروده‌های متعددی منسوب به شیخ (که برادر صاحب روضات الجنّات آن را در ۱۲۴۵ق کتابت کرده است)، توانست آنچه از اشعار اصیل و غیر اصیل منتسب به شیخ بهایی یافته بود به چاپ برساند. ظاهراً در دهه هفتاد خورشیدی (شاید سال ۱۳۷۳) بود که چاپی با عنوان «کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهائی» با تجدید حروف چینی کتابچه سعید نفیسی به‌عنوان مقدمه اثر، و با حجیم‌تر کردن رباعیات منسوب به شیخ، توسط نشر چکامه به بازار آمد و از آن پس نیز چند بار در شمارگان بالا تجدید طبع شد. مصحح سومین طبع این اثر، علی کاتبی معرفی شده و در پژوهش حاضر دو بار به آن استناد شده است (نک. بهاء‌الدین محمد بن حسین جبل‌عاملی، بی‌تا). اغلب سروده‌های منسوب به شیخ در فضای مجازی (مثلاً، در سایت «گنجور» و سایت‌های دیگر) از روی این چاپ - که ظاهراً در دسترس‌ترین نسخه چاپی اشعار شیخ بهایی در سال‌های اخیر بوده است - گرفته شده و به همین علت، اشعار غیراصیل فراوانی در فضای مجازی به نام شیخ نشر شده است. پرداختن به همه اشکالات موجود در دیوان‌های غیرانتقادی چاپ نفیسی، جواهری و چاپ نشر «چکامه»، و حضور اشعار و آثار منشوری که به هیچ وجه از شیخ بهایی نیست، مجال وسیع‌تری می‌طلبد؛ اما درباره روش‌شناسی پژوهش‌های مزبور، دست‌کم می‌توان به منبعی که بی‌شک یکی از مصادر ایشان بوده، یعنی کَشکول خود شیخ بهایی، با دیدی انتقادی نگریست و از این طریق، وضعیت شماری از اشعار دیگران را که به دیوان شیخ بهایی راه یافته، روشن کرد. این اشعار، در چاپ‌های بازاری پس از نفیسی، جواهری و چکامه، اغلب تحت تأثیر یکی

از این چاپ‌ها، بارها بازنشر شده و گاه چنان شهرتی یافته که ردّ انتساب برخی از آن‌ها به شیخ بهایی ممکن است شگفت بنماید.

در این پژوهش، چند دست‌نویس کَشکول که همه در سده یازدهم هجری کتابت شده‌اند، و همچنین چاپی مشهور و پر مراجعه از آن که به صورت طبع سنگی عرضه شده و به چاپ «نجم الدوله»، ۱۲۹۶ق، شهرت دارد (نک. بهاء‌الدین محمد بن حسین جبل‌عاملی، ۱۲۹۶ق در منابع) مبنای بررسی قرار گرفته است. در واقع هدف از این نگارش آن است که برخی اشعار موجود در چاپ‌های جواهری و چکامه، به‌عنوان پرمخاطب‌ترین دیوان‌های شعر فارسی شیخ بهایی، در نسخه‌های کَشکول بررسی و عناوین ثبت شده پیش از هر شعر صحت‌سنجی شود. با چنین جستجویی روشن خواهد شد که برخی از این سروده‌ها بی‌شک از سراینندگان دیگری است و شیخ در کَشکول آن‌ها را به نام سراینندگان اصلی هر شعر ثبت کرده است. تصرف کاتبان کَشکول، یا برداشت نادرست مخاطبان این اثر بوده است که باعث شده که انتساب برخی شعرها به سراینندگان اصلی‌شان دستخوش ابهام و خدشه شود.

کَشکول و ارزش آن در بازسازی دیوان فارسی شیخ بهایی

منقولات متعددی از مثنوی «نان و حلوا»، سروده شیخ بهایی، در کَشکول او وجود دارد. همچنین متن مثنوی «شیر و شکر» و بسیاری از غزلیات، رباعیات و متفرقات شیخ در کَشکول ثبت شده و لازم است در تصحیح انتقادی بخش‌های مزبور، به این منبع به‌طور ویژه توجه شود. در واقع، از سروده‌های قطعی شیخ در قالب رباعی، غزل، فرد، مثنوی‌های کوتاه و قطعه، ۴۲ شعر در کَشکول ضبط شده، که برخی از آن‌ها در دو یا سه موضع تکرار شده است. به عبارت دقیق‌تر، این ۴۲ شعر در ۴۵ موضع از کَشکول نقل شده است. از سویی نیز می‌دانیم که هنوز تصحیح علمی و روشمندی از کَشکول عرضه نشده تا با اطمینان بتوان به آن مراجعه کرد. بنابراین، تصویر چهار دست‌نویس اصیل از کَشکول تهیّه شد تا با استفاده از آن‌ها، نوعی اجماع در مراجعه به اشعار فارسی موجود در این منبع

حاصل و در بررسی اشعار فارسی شیخ مفید واقع شود. همچنین، یک نسخه چاپ سنگی ارزنده که در بسیاری از مطالعات شعرشناسی سال‌های اخیر مورد مراجعه قرار گرفته، در کنار این دست‌نویس‌های چهارگانه، مبنای بررسی بوده است:

- «کشکول س»: چاپ سنگی نجم‌الدوله، اتمام طبع در ۱۲۹۶ق، که خود به مثابه یک نسخه خطی مضبوط و نسبتاً اصیل از کشکول کارآیی دارد.

- «کشکول ۱»: نسخه خطی کتابخانه مجلس سنا به شماره ۸۶۷ سنا مورخ ۱۰۵۸ق که

کاتب آن در پایان چنین رقم زده است:

وافق الفراغ من تسويد هذه الأوراق وتحريرو هذه النسخة المباركة يوم الاربعاء غرة شهر
رجب المرجب سنة ثمان وخمسون وألف الهجرى بقلم العبد الفقير المحتاج الى عفو
ربه الغنى عبدالله بن سلام الله الجنيدى عفى الله عنهما وعن المؤمنين بمحمد النبى
خير الورى وعلى الولى صدر الأوصياء صلوات الله عليهما وعلى الأئمة الهدى وذلك
بدار العلم شيراز صينت عن الاعواز و الحمد لله أولاً وآخراً، تم.

لازال يعلو قدره دائماً إلى الغلا صاحب هذا الكتاب
ما غرّدت ورقاء فى دوحه وأضحك الروض بكاء السحاب

این نسخه از نسخه‌هایی است که در شیراز، و شاید به دست یکی از اخلاف خاندان جنید شیرازی، صاحب شدّ الإزار فى حظّ الأوزار عن زوار المزار، کتابت شده است (نک. دانش‌پژوه - انواری، ۱۳۵۹: ۷۹).

- «کشکول ۲»: نسخه شماره ۷۳۷۶ کتابخانه مجلس که تاریخ کتابت در فهرست کتابخانه، به اشتباه ۱۰۰۶ق دانسته شده، در حالی که این تاریخ مربوط به عددی مورد تردید در انتهای نسخه است که قسمت‌هایی از آن ریختگی دارد. همین ریختگی در رقم مزبور، باعث بدخوانی شده و لذا، در فهرست کتابخانه تاریخ ۱۰۰۶ق برای این نسخه ثبت شده است. برای رسیدن به تاریخ واقعی، لازم است یا همین رقم را با ابزارهای پیشرفته بازبینی کنیم و یا قرائن دیگری را در خود نسخه جستجو نماییم. پس از بررسی تمام صفحات دست‌نویس، روشن شد که در پایان مجلد اول در برگ ۹۴، باز هم رقم کاتب و تاریخ کتابت به صورت «ستین بعد الالف» (= ۱۰۶۰ق) به چشم می‌خورد، و این تاریخ درست کتابت دست‌نویس است.

- «کشکول ۳»: نسخهٔ ارزنده و مضبوط دانشگاه تهران به شماره ۱۳۳ (جزو نسخه‌های اهدائی سید محمد مشکوة) که طبق ادعای فهرست‌نگار مجلّدی از فهرست‌های دانشگاه، احتمالاً در عصر حیات شیخ (منزوی، ۱۳۳۲، ۱۷۱/۲-۱۷۵)، و شاید به حدس قابل‌پذیرش‌تر، حوالی نیمهٔ سدهٔ یازدهم کتابت شده باشد. عربیات این نسخه به خط نسخ و مطالب فارسی آن به نستعلیق کتابت شده، عنوان‌ها به شنگرف است و نسخه دارای عناصر زینتی است.

- «کشکول ۴»: نسخهٔ دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد به شماره ۴۵۸ (فاضل، ۱۳۵۵: ۲۳۱/۱-۲۳۲) که پیش از این در تملک مرحوم عبدالحمید مولوی، مجموعه‌دار دانشمند خراسانی قرار داشته و پیش از او نیز در کتابخانهٔ فرهادمیرزا، فرزند فاضل و کتاب‌شناس عباس میرزا و نوهٔ فتحعلی‌شاه قاجار، بوده است. این دست‌نویس خوش خط و خوانا که قرابت و شباهتی، دست‌کم در ضبط‌های مثنوی «نان و حلوا» با چاپ‌سنگی نجم‌الدوله («کشکول س») دارد، مصرع‌ها و بیت‌ها را از پی هم و بدون در نظر گرفتن مسطربندی خاصی برای ابیات (مثلاً دوستونی یا چلیپایی) ثبت کرده است. تاریخ کتابت مجلّد اول این نسخه در برگ ۹۸ پ، ۱۰۶۵ ق ثبت و باقی مجلّدات نیز در همان حوالی و به دست همان کاتب استنساخ شده است. رقم پایانی مجلّد اول چنین است:
 هذا آخر ما وُجِدَ من المجلّد الأوّل من الكشکول و يتلوه المجلّد الثانی. و الحمد لله وحده و صلّى الله على من لا نبيّ بعده محمد وآله و حزبه، في تاريخ ثامن العشر الأوّل من الشهر التاسع من العام الخامس من العشر السابع من المائة الأولى من الألف الثانی من الهجرة، و السلام على كاتبه بمحمد وآله.

مقایسهٔ مجدّد برخی اشعار شیخ بهایی بر اساس کشکول

با تتبع دقیق و مقایسهٔ شماری از اشعاری که شیخ آن‌ها را در تحریرهای مختلفی از کشکول خویش به نام دیگران ثبت کرده، می‌توان به سادگی و با قطعیت آن‌ها را از دایرهٔ سروده‌های خود او بیرون برد. در واقع، توجه انتقادی به دست‌نویس‌های کشکول، وضعیت این اشعار را - که شاید تا پیش از این دربارهٔ انتساب آن‌ها به شیخ تردیدهایی وجود داشت - تا حدّ زیادی روشن می‌کند. سروده‌هایی که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، با همین نگاه انتقادی بررسی و انتساب آن‌ها به شیخ بهایی تعیین شده است.

- خو کرد^۱ به خلوت دل غم فرسایم کوتاه شد از صحبت هر کس پایم
چون تنهایم هم‌نفسم یاد کسیست چون هم‌نفس^۲ کسی شوم^۳ تنهایم
این رباعی در «کشکول ۲» (ص ۱۰۵) عنوان «لکاتبه» گرفته، ولی در چهار دست‌نویس دیگر (کشکول س: ۸۵؛ کشکول ۱: ۴۵؛ کشکول ۳: ۴۲؛ کشکول ۴: ۵۴) به نام قاسم بیگ حالتی، شاعر سده دهم و یازدهم هجری، پس از یک رباعی دیگر از این شاعر و با عنوان «وله» ثبت شده است. می‌توان فرض کرد که شیخ در ایام حضورش در قزوین حتی اواخر عمر حالتی را نیز درک کرده است. بنابراین عنوان «کشکول ۲» در این مورد قطعاً خطاست. رباعی مزبور در دست‌نویسی معتبر و نسبتاً قدیم (از سده یازدهم هجری) از دیوان حالتی یافت می‌شود (حالتی ترکمان، قرن ۱۱ق: ۹۴پ)^۴ و خود مؤیدی بر انتساب آن به شاعر ترکمان تواند بود. همچنین، حاجی بابا قزوینی، شاگرد شیخ بهایی (در باره او، نک. بشری، ۱۳۹۳: ۵۸۵-۶۰۶) آن را در مجموعه کشکول مانند خویش به نام همین شاعر و با عنوان «قاسم» (در متن) و «قاسم بیگ حالتی» (در حاشیه) آورده است (قزوینی، ۱۳۰۰ق: ۱۰۱). نیز بیت دوم

۱. کشکول ۳: کرده.

۲. کشکول ۴: هم‌نفسی.

۳. کشکول ۳: هم‌نفسم کسی بود.

۴. نسخه‌هایی که عجلتاً از آن می‌شناسیم عبارتند از: دست‌نویس شماره ۱۰۰۵ کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مورخ ۱۰۳۲ق در ۱۲۷ برگ (منزوی، ۱۳۸۴: ۱۰۸/۲-۱۰۹؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۱۲۵/۵. دست‌نویس دیگری که در منبع اخیر معرفی شده، فقط حاوی یک قصیده از شاعر در یک مجموعه/ جنگ خطی است؛ دست‌نویس مدینه منوره مورخ ۱۱۶۵ق (منزوی، ۱۳۵۰: ۲۲۹۲/۳)؛ دست‌نویس کتابخانه ملی، بی‌تاریخ و احتمالاً از سده یازدهم هجری (نک. حالتی ترکمان، قرن ۱۱ق)؛ منتخبی که تقی‌الدین ذکری کاشانی از اشعار حالتی در خلاصه‌الاشعار خود آورده است (میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۰۱۳ق: ۲۰۳-۲۱۳)، و البته رباعی مورد گفتگو را در آن نیافتیم. جز این، محتمل است شماری از او سروده‌هایی در منابع سفینه‌ای و مجموعه‌های پس از قرن یازدهم هجری قابل بازیابی باشد. به گزارش سایت کتابخانه ملی، این دیوان در ۱۳۸۹ توسط خانم ریحانه کاظمی به‌عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد، واحد نجف‌آباد، تصحیح شده است. از تصاویر صفحاتی از ابتدای این پایان‌نامه که در سایت کتابخانه ملی قابل رؤیت است، برمی‌آید که در این تصحیح، ظاهراً به دو نسخه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه ملی مراجعه شده است.

این رباعی در مجموعه ادبم عزلتی خلخالی (د. ۱۰۵۲ق)، شاگرد شیخ بهایی، بدون عنوان و نام شاعر آمده است (ادبم خلخالی، ۱۳۷۰: ۲۶). با این حساب، لازم است رباعی پیش گفته را که در پژوهش جواهری (بی تا: ۸۸) و سایر چاپ‌های بازاری دیوان شیخ وارد شده و در منابع اینترنتی نیز نقل می‌شود، از پیکره سروده‌های او کنار بگذاریم.

- او را که دل^۱ از عشق مشویش باشد هر قصه که گوید همه دلکش باشد
توقصه عاشقان همی کم شنوی بشنو بشنو که قصه‌شان خوش باشد

این رباعی که در نسخه‌های کَشکول بلافاصله پس از بیت فرد «نقص کرمست آنکه قدرش/ در حوصله امید گنجد»، از سروده‌های قطعی شیخ بهایی، و با عنوان «رباعی» آمده (کَشکول س، ص ۱۲۵ با عنوان اشتباه «اهلی»^[۱]؛ کَشکول ۱، گ ۶۸پ؛ کَشکول ۲، ص ۱۵۶؛ کَشکول ۳، گ ۶۱پ؛ کَشکول ۴، گ ۸۲ر)، به هیچ وجه از شیخ نیست، هرچند در چاپ‌های غیرانتقادی به نام او ثبت شده (جواهری، بی تا: ۸۴) و انتساب آن احتمالاً با استناد به کَشکول و متوالی شدن بیت فرد پیش گفته و رباعی حاضر روی داده است. رد انتساب این شعر به شیخ بهایی زمانی امکان پذیر است که بدانیم نجم‌الدین دایه رازی آن را در اوایل سده هفتم هجری در دیباجه مرصاد العباد (نجم رازی، ۱۳۶۵: ۱۱. نیز نک. صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵: ۳۹۱/۱) نقل کرده است (مرصاد به جای «او را»، «آن را» و به جای «مشویش»، «پر آتش» دارد). در چنین شرایطی در زدودن این رباعی از سروده‌های شیخ بهایی جای تردیدی باقی نمی‌ماند.

- ای برده به چین زلف، تاب دل من وی کشته به سحر غمزه خواب دل من
در خواب مده زهم^۲ به خاطر که مباد بیدار شوی ز اضطراب دل من

این رباعی در دو نسخه کَشکول ۲ و کَشکول ۳ اصلاً وجود ندارد و سه نسخه کَشکول س (ص ۳۱۵)، کَشکول ۱ (گ ۱۷۸ر) و کَشکول ۴ (گ ۲۱۲پ) هم که آن را دارد، با عنوان‌هایی گمراه‌کننده همراه است. به این معنا که در کَشکول س و کَشکول ۴ بیت مذکور عنوان

۱. کَشکول ۱، کَشکول ۲: آنکو دلش.

۲. کَشکول س: وهم. در کَشکول ۴، این واژه نیست و بعداً با قلم دیگری کلمه «وهم» بالای مصرع افزوده شده است.

«لکاتبه» دارد و فقط در کَشکول ۱ عنوان درست «ولی» دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که کاتبان نسخه‌های کَشکول س و کَشکول ۴ و یا مادز نسخه‌های آن‌ها، «ولی» (تخلّص ولی دشت بیاضی) را «ولی [= و از آن من است]» خوانده و پس از دستکاری در عنوان شعر، آن را به نام شیخ ضبط کرده‌اند. رباعی مورد بحث، بر اساس هفت نسخه معتبر دیوان ولی دشت بیاضی، به نام او ثبت شده (ولی دشت بیاضی، ۱۳۸۹: ۴۱۰) و به احتمال قریب به یقین، از اوست.^۱

- زاهد نکند گنه که قَهّاری تو ما غرق گناهیم که غفّاری تو
او قَهّارت خوانند و ما غفّارت آیا به کدام نام خوش داری تو

این رباعی در تمام نسخه‌های مورد مراجعه، بدون عنوان آمده، ولی از آن جا که شیخ آن را هنگام عرضه مطلبی از خود نقل کرده (کَشکول س: ص ۳۴۷؛ کَشکول ۱: گ ۲۰۱ پ؛ کَشکول ۳: گ ۱۵۶ پ؛ کَشکول ۴: گ ۲۳۴ ر. کَشکول ۲: بیت را ندارد)، انتساب شعر به وی محملی یافته است؛ چنان‌که بعضاً به نام او ثبت هم شده است (بهاء‌الدین محمد بن حسین جبل عاملی، بی تا: ۱۴۱). گوینده این رباعی، در واقع رفیع‌الدین حیدر معمایی کاشانی متخلّص به «رفیعی»، معاصر تقی‌الدین ذکری کاشانی و از سرایندهگان ماهر در انواع شعر، به ویژه در فنّ معما و ماده تاریخ، بوده است (میر تقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۴: ۲۱). جالب است که نسخه کَشکول ۳ هم این رباعی را به شاعر اصلی آن منتسب کرده، ذیل این عنوان: «لمیر حیدر معمایی». آیا این عنوان درست، کشف کاتب نسخه مزبور یا مادرنسخه آن بوده، یا این که شیخ بعدها سراینده آن را شناخته و خود در تحریرهای نهایی کَشکول وارد کرده است؟ به هر حال، منابع متعددی رباعی مذکور را به نام شاعر کاشانی آورده‌اند، از جمله: تقی کاشی، همشهری و معاصر شاعر (میر تقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۴: ۵۰)؛

۱. اشعار متعددی از ولی دشت بیاضی با عنوان «ولی» در کَشکول شیخ هست که نشان می‌دهد شیخ با آن‌ها آشنایی داشته است. برای نمونه می‌توان به اشعار ثبت‌شده در این صفحات اشاره کرد: کَشکول س: ۴۳۴ (ولی دشت بیاضی، ۱۳۸۹: ۲۴۸)، ۴۴۱ (همو: ۲۶۸)، ۵۳۱ (همو: ۳۲۴) و ۵۱۵ (رباعی نویافته‌ای از ولی دشت بیاضی).

تقی‌الدین اوحدی بلیانی، تذکره‌نویس معاصر او (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۲/۱۲۶۴)؛ اسکندریبگ ترکمان، مورّخ معاصر میرحیدر که تنها شعری را که از او آورده، همین رباعی مشهور اوست (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/۱۸۲)؛ واله اصفهانی (۱۳۷۲: ۴۷۸)؛ بداونی (۱۳۷۹: ۱۶۱/۳)؛ امین‌احمد رازی (۱۳۷۸: ۲/۱۰۳۰)؛ و واله داغستانی (۱۳۸۴: ۲/۸۳۰). بنابراین، رباعی فوق قطعاً از شیخ بهایی نیست.

- رندان گاهی ملک جهان می‌بازند گاهی به نگاهی دل و جان می‌بازند
این طور قمار را نه چندست و نه چون هر طور برآید آن‌چنان می‌بازند

این رباعی هم دقیقاً در ادامه رباعی پیشین در کشکول قرار دارد و جز کشکول ۳ که ذیل عنوان نادرست «وله» آمده، سایر دست‌نویس‌های مورد مراجعه عنوانی برای آن ندارند. با این‌که برخی منابع این رباعی را به نام شیخ نقل کرده‌اند (بهاء‌الدین محمد بن حسین جبل‌عاملی، بی‌تا: ۱۳۶)، اما سراینده آن به احتمال قوی بایستی میرزا ابراهیم اصفهانی (۹۸۹ق)، صاحب فرهنگ میرزا ابراهیم (تلخیصی از شرفنامه منیری اثر ابراهیم قوام فاروقی)^۱ باشد، زیرا منابع متعددی آن را به نام او ثبت کرده‌اند (میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۸۶؛ اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۱/۵۵۹)؛ امین‌احمد رازی، ۱۳۷۸: ۲/۹۵۰. نیز نک. شاهدی علی‌آباد، ۱۳۸۴: ۳۳۹، که در آن تنها به تذکره امین‌احمد رازی مراجعه شده است). اوحدی بلیانی با این‌که یک بار این رباعی را به نام میرزا ابراهیم نقل کرده، بار دیگر آن را متعلق به پدر او، میرزا شاه‌حسین اصفهانی، وزیر شاه اسماعیل صفوی دانسته و توضیح داده که او به «قمارباز» مشهور بوده است (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۴/۲۰۹۵-۲۰۹۶). آیا احتمال دارد که رباعی مزبور - که در آن از بازی قمار سخن رفته - به میرزا شاه‌حسین اصفهانی، و نه پسر او، منسوب باشد؟ هر چه هست، شعر مورد بحث را نباید از شیخ بهایی دانست.

۱. در این باره نک. صفا، ۱۳۶۹: ۵/۳۷۵-۳۷۶؛ به‌کن، ۱۳۶۸: ۴۰۹-۴۱۰؛ دبیرسیاقی، ۱۳۷۵: ۸۶-۹۵؛ مهدوی،

۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۶؛ شاهدی علی‌آباد، ۱۳۸۴: ۳۳۷-۳۶۰؛ بشری، ۱۳۸۶: ۷۹-۸۰.

- در بزم تو ای شوخ^۱ منم زار و اسیر در کشتن من هیچ نداری تقصیر
با غیر سخن کنی که از رشک بسوز سویم نکنی نگه که از غصه بمیر
(کشکول س: ص ۳۷۱؛ کشکول ۱: گ ۲۲۹ پ؛ کشکول ۲: ص ۴۳۴؛ کشکول ۳: گ ۱۸۵؛ کشکول ۴: ۲۶۸ ر).

این رباعی در تذکره ریاض الشعرا (۱۱۶۱ق) (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۹۴/۱؛ همو، ۱۳۹۱: ۲۷۱/۱) و تذکره مخزن الغرائب (۱۲۱۸ق) (هاشمی سندیلوی، ۱۹۶۸م: ۳۴۱/۱) نیز به نام شیخ ثبت شده است. توالی این رباعی و رباعی بعد در دو منبع اخیر، نشان می‌دهد که به احتمال بسیار واله داغستانی، و به تبع او هاشمی، آن را بر اساس نسخه‌ای از کشکول - که مشکل دو نسخه کشکول س و کشکول ۲ را داشته - به شیخ منتسب کرده‌اند. این رباعی را چاپ‌های غیرانتقادی دیوان به نام شیخ آورده‌اند (نفیسی، ۱۳۱۶: ۱۴۳؛ جواهری، بی‌تا: ۸۶). درباره سراینده حقیقی رباعی مزبور، ابتدا باید اشاره کرد که در کشکول س و کشکول ۲ عنوان «لکاتبه» به این رباعی داده شده، ولی در کشکول ۱، کشکول ۳ و کشکول ۴ عنوان «شیخ رباعی» دارد، که مراد به احتمال بسیار درویش مقصود تیرگر هروی مشهدی (د. ۹۷۷ق) معروف به «شیخ رباعی» است (درباره او، نک. میرتقی‌الدین کاشانی، ۱۰۱۳ق: ۴۶۱-۴۶۸؛ گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۲۹۵-۲۹۸؛ فکری، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹) که از اقران سید محمد جامه‌باف مشهدی متخلص به «فکری» و مشهور به «میر رباعی» (د. ۹۷۳ق) بوده است. این رباعی اگرچه جزو ۵۶ رباعی‌ای که میرتقی‌الدین کاشانی (۱۰۱۳ق: ۴۶۱-۴۶۸) از او نقل کرده و در میان منقولات موجود در تذکره اوحدی بلیانی از او (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱۵۹/۴-۲۱۶۳) به نام درویش مقصود دیده نمی‌شود، نمی‌توان به یقین انتساب آن را به وی رد کرد، زیرا مجموعه‌ای جامع و مدون از رباعیات «شیخ رباعی» در دست نیست؛ و از طرفی، ضبط سه نسخه مضبوط قرن یازدهمی از کشکول حاکی از آن است که شیخ بهایی آن را به نام این «شیخ رباعی» شنیده یا دیده بوده و بر همان اساس در کتابش ثبت کرده است. اگر چنین باشد، این انتساب قرن یازدهمی را

۱. کشکول س: شمع؛ متن = هر چهار نسخه دیگر کشکول، تذکره ریاض الشعرا، تذکره مخزن الغرائب.

نمی‌توان نادیده گرفت.^۱ درباره گرهی که در انتساب رباعی اخیر به شیخ در دو نسخه کَشکول س و کَشکول ۲ وجود دارد، می‌توان احتمال داد که یکی از کاتبان کَشکول که با لقب «شیخ رباعی» آشنایی نداشته، آن را به صورت «شیخ [= شیخ بهایی]؛ رباعی» خوانده و پس از تصرف او، این عنوان بعدها به «لکاتبه» تحریف شده است.

- رویت که ز باده لاله می‌روید ازو وز تاب شراب ژاله می‌روید ازو
دستی که پیاله‌ای ز دست تو گرفت گر خاک شود، پیاله می‌روید ازو

این رباعی در تذکره ریاض الشعرا (۱۱۶۱ق) (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۹۴/۱؛ همو، ۱۳۹۱: ۲۷۱/۱)، تذکره آشکده (۱۱۹۳ق) (آذر، ۱۳۳۹-۱۳۴۰: ۹۲۷/۳) و تذکره مخزن الغرائب (۱۲۱۸ق) (هاشمی سندیلوی، ۱۹۶۸م: ۳۴۱/۱) به نام شیخ بهایی آمده است. چنان‌که ذیل رباعی پیشین «در بزم تو ای شوخ منم زار و اسیر» گفته شد، می‌توان احتمال داد که واله این دو رباعی را از روی نسخه‌ای از کَشکول که مشکل نسخه‌های کَشکول س و کَشکول ۲ را داشته، از شیخ دانسته است. مأخذ آذر و هاشمی نیز در این مورد می‌تواند تذکره واله و یا نسخه‌ای با مشخصاتی مشابه از همان کَشکول باشد. رباعی مورد بررسی، که مضمونی شادخوارانه و مغایر با فکر و ذوق شیخ بهایی دارد، در کَشکول بلافاصله پس از رباعی «در بزم تو ای شوخ منم زار و اسیر» (که پیش تر از آن سخن رفت) قرار گرفته است. از آن‌جا که

۱. می‌شود فرض کرد که شیخ در ایام اقامتش در هرات و یا سفرهایش به این شهر و یا مشهد، رباعی مزبور را به نام «شیخ رباعی» شنیده و آن را در کَشکول ثبت کرده است. مأخذ او در این انتساب می‌توانسته شفاهی باشد. ما در این پژوهش، می‌توانیم فقط به این نتیجه بسنده کنیم که شیخ بهایی این رباعی را متعلق به شیخ رباعی دانسته است، نه این‌که تعیین کنیم که رباعی قطعاً متعلق به «شیخ رباعی» هست یا نه، زیرا چنان‌که میرافضلی نشان داده است، حدود نیمی از رباعیات منسوب به این فرد، معارض جدی دارد (فکری، ۱۳۸۹: ۲۹). در بررسی‌های بعدی، این رباعی در نسخه‌ای از تذکره مذکور احباب، به نام میراسدالله اصفهانی یافت شد (نوشاهی، ۱۳۸۱: ۴۴۵)، و چه بسا که از او باشد. تقی‌کاشی هم در ذیلی که برای خلاصه الاشعار خویش تدارک دیده، آن را به نام همین «میراسدالله خلیفه صفاهانی» نقل کرده است (نک. میرافضلی، ۱۳۹۹ [زیر چاپ]: رباعی شماره ۳. درباره این رباعی، نیز نک. نفیسی، ۱۳۳۴: ۴۷، که فقط شامل رباعیاتی است که در طول قرن‌ها اشتباهاً به نام بوسعید شهرت یافته است (میرافضلی، ۱۳۷۷: ۴۹).

چاپ‌سنگی کَشکول‌س آن را بدون عنوان ثبت کرده و با توجه به این‌که رباعی پیش از آن، به تصوّر دست‌اندرکاران چاپ‌های غیرانتقادی دیوان شیخ، متعلّق به او پنداشته می‌شده، این رباعی نیز به دیوان بازسازی‌شده شیخ راه یافته است (جوهری، بی‌تا: ۹۰). جالب آن‌که این شعر در هر چهار نسخه مورد مراجعه در این پژوهش، عنوان «سلطان حسین میرزا» دارد. با این حساب بی‌عنوان بودن آن در کَشکول‌س، یا خطای مصحح چاپ‌سنگی، و با اشکال مادر نسخه او شمرده می‌شود. اسکندربیک ترکمان (۱۳۸۲: ۱/۱۲۶) و صادقی کتابدار افشار (۱۳۲۷: ۲۶) در اوایل سده یازدهم هجری، این رباعی را متعلّق به حسن میرزا صفوی، فرزند محمّد بن شاه‌طهماسب اول صفوی، و برادر ارشد شاه عباس اول، دانسته‌اند (نیز، نک. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۸۳۰؛ هدایت، ۱۳۳۶: ۱/۳۷-۳۸). قابل یادآوری است که در همان قرن یازدهم هجری، اوحدی بلیانی، و چندین دهه بعد واله داغستانی به پیروی از بلیانی، به جای انتساب این رباعی به شاهزاده صفوی، آن را به نام سلطان حسین بایقرا آورده‌اند (اوحدی حسینی، ۱۳۸۹: ۲/۱۱۶۷؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱/۵۶۰-۵۶۱). در این میان، به نظر می‌آید که شیخ بهایی طرفدار انتساب رباعی به سلطان حسین بایقرا بوده است، زیرا عنوان رباعی در کَشکول، سلطان «حسین» (و نه «حسن») است. رباعی سرگردان مورد بحث، در نسخه نسبتاً مضبوط دیوان قاسم‌بیگ حالتی هم به نام او آمده (حالتی ترکمان، قرن ۱۱ ق: ۱۰۴)، و این مسئله را پیچیده‌تر می‌کند.

- جانی دگر^۱ نماند که سوزم ز دیدنت رخساره در نقاب^۲ برای^۳ چه می‌کنی
این بیت فرد نیز در دیوان‌های غیرانتقادی شیخ (نفیسی، ۱۳۱۶: ۱۳۷؛ جوهری، بی‌تا: ۷۶) دیده می‌شود، زیرا در نسخه چاپ‌سنگی کَشکول («کَشکول‌س») در ادامه شعر پیشین، بدون هیچ توضیح و عنوانی، ثبت شده و به همین سبب آن را از شیخ پنداشته‌اند. اما پس از مقایسه کَشکول‌س با سایر دست‌نویس‌های معتبر کَشکول، معلوم شد که ثبت نکردن عنوان درست شعر، احتمالاً از سوی نجم‌الدوله، مصحح چاپ‌سنگی، این بار هم، مانند شعر

۱. کَشکول‌س: دیگر [کذا]. متن = چهار نسخه دیگر کَشکول.

۲. کَشکول‌س و کَشکول ۲: ز بهر.

پیشین، مشکل ساز شده است، زیرا این بیت در هر چهار نسخه کَشکول، عنوان «لوالدته» (=مادر سلطان حسین میرزا) دارد و نمی‌تواند از شیخ بهایی باشد.

- بی حجابانه در آ از در کاشانه ما که کسی نیست به جز درد تو در خانه ما
این بیت فرد یا مطلع غزل هم در ادامه شعر پیشین در همان موضع از کَشکول قرار دارد و از آنجا که نسخه کَشکول س آن را بدون عنوان ثبت کرده، به چاپ‌های غیرانتقادی دیوان شیخ نیز راه یافته است؛ در حالی که، با مراجعه به چهار نسخه خطی از کَشکول، مشخص می‌شود که این شعر نیز عنوان «ولها» دارد و بایستی متعلق به همان مادر سلطان حسین میرزا باشد. گفتنی است انتساب این بیت به صبوحی جغتایی، از شاعران سده دهم هجری، نیز در برخی منابع مطرح بوده است (نک. بداونی، ۱۳۷۹: ۱۷۶/۳؛ بندرآین داس خوشگو، ۱۳۸۹: ۴۵۰؛ و سایر منابعی که در خیام‌پور، ۱۳۷۲: ۵۵۰/۲ ذیل مدخل «صبوحی هروی جغتایی» معرفی گردیده است). اتفاق نظری که درباره محل سرایش این بیت می‌توان داشت این است که سراینده‌ای از حوزه ولایت هرات آن را در سده نهم یا دهم هجری سروده، و به هیچ وجه از شیخ بهایی نیست.

نتیجه

سروده‌های کوتاه و لطیفی که از شیخ بهایی باقی مانده، پس از او و در طول زمان چنان شهرتی یافته و شخصیت ادبی ویژه‌ای برای وی ایجاد کرده که او نیز مانند برخی شخصیت‌های بزرگ معنوی و سرایندگان اشعار کوتاه، مانند ابوسعید ابوالخیر، خیام و باباافضل کاشانی، سراینده اشعاری تصور شده که مطلقاً از او نیست. زدودن اشعار منسوب و غیرواقعی از سروده‌های اصیل شیخ بهایی باید در چند مرحله صورت گیرد. یکی مراجعه به آثار قطعی خود شیخ است که می‌توان از طریق آن برخی از سروده‌های حقیقی او را بازیابی کرد. اما در مراجعه به یکی از این آثار، یعنی کَشکول، با مشکل بزرگی مواجه می‌شویم و آن این‌که نسخه‌های کَشکول در طول زمان، دچار دخل و تصرف شده و برخی از چاپ‌های مشهور آن نیز از این تصرفات برکنار نمانده است. از این رو، به هنگام بررسی این مهم‌ترین مأخذ سروده‌های شیخ، بایستی به طریق انتقادی و با مقایسه چند دست‌نویس

اصیل پیش رفت تا در نهایت بتوان سراینندگان حقیقی برخی از سروده‌های غیراصیل و منتسب به شیخ را شناسایی نمود و آن اشعار را به صاحبان اصلی شان بازگرداند. در این پژوهش، با چنین هدفی و به طریقی که اشاره شد، سراینده واقعی چند شعر شناسایی و نسبت آن‌ها با شیخ بهایی روشن گردید.

منابع

- آذر، لطفعلی بیگ بن آقاخان بیگدلی شاملو (۱۳۳۹-۱۳۴۰). آتشکده. ج ۳. با تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری. تهران: امیرکبیر.
- آقابزرگ الطهرانی (۱۴۰۳ق). الذریعة إلى تصانیف الشيعة. ج ۹ (بخش ۱). بیروت: دار الأضواء.
- ادهم خلخالی (۱۳۷۰). کدومطبخ قلندری. به اهتمام احمد مجاهد. تهران: سروش.
- اسکندریبگ ترکمان (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. ج ۳. زیر نظر، با تنظیم فهرست‌ها و مقدمه ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرآة البُلدان، ج ۱. با تصحیحات و حواشی و فهراس عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- امین احمد رازی (۱۳۷۸). تذکره هفت اقلیم. ج ۲. تصحیح، تعلیقات و حواشی: سید محمدرضا طاهری. تهران: سروش.
- اوحدی حسینی دقّاقی بلیانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). ج ۸. عرفات العاشقین و عرصات العارفين. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد. با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: میراث مکتوب، با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بته‌کن، علی (۱۳۶۸). «ابراهیم اصفهانی». در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر سید محمدکاظم موسوی بجنوردی. تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۴۱۰-۴۰۹/۲.
- بداونی، عبدالقادر بن ملوک‌شاه (۱۳۷۹). منتخب التواریخ، ج ۳. به تصحیح مولوی احمدعلی صاحب. با مقدمه و اضافات توفیق ه. سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بشری، جواد (۱۳۸۶). «نگاهی به شرفنامه منبری (به مناسبت انتشار جلد نخست آن)». آینه پژوهش، س ۱۸، ش ۲ (پیاپی: ۱۰۴): ۷۸-۸۷.
- _____ (۱۳۹۳). «حاجی بابا قزوینی، برجسته‌ترین شاگرد شیخ بهایی». در: مرزبان فرهنگ، جشن‌نامه دانشور فرهنگیار حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی. تهران: خانه کتاب؛ قم: کانون نویسندگان قم: ۵۸۵/۱-۶۰۶.

- پندرابن داس خوشگو (۱۳۸۹). سفینه خوشگو، دفتر دوم. تصحیح سیدکلیم اصغر. ویراستاری علمی: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بهاء‌الدین محمد بن حسین جیل‌عاملی (۱۲۹۶ق). کشکول. تصحیح نجم‌الدوله. طهران. چاپ سنگی (با رمز «کشکولس» در این پژوهش)؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس سنا، شماره ۸۶۷سنا، مورخ ۱۰۵۸ق (با رمز «کشکول۱»); نسخه شماره ۷۳۷۶ کتابخانه مجلس، مورخ ۱۰۶۰ق (با رمز «کشکول۲»); نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۳مشکوة، سده یازدهم هجری (با رمز «کشکول۳»); نسخه خطی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۵۸، مورخ ۱۰۶۵ق (با رمز «کشکول۴»).
- _____ (بی‌تا). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهائی. مقدمه و شرح حال به‌قلم سعید نفیسی. ترجمه آیات، احادیث و لغات عربی از حسن طارمی. ویرایش و تصحیح علی کاتبی. تهران: چکامه.
- جواهری، غلامحسین (بی‌تا). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهاء‌الدین محمد‌عاملی مشهور به شیخ بهائی. تهران: کتابفروشی محمودی.
- حالتی ترکمان (قرن ۱۱ق). دیوان. نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۲۳۱۷۵-۵.
- الحرّ‌عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۵ق). أمل‌الآمل، ج ۱. تحقیق: السید أحمد الحسینی. بغداد: مکتبة الأندلس.
- خیام‌پور، ع. (۱۳۶۸). فرهنگ سخنوران، ج ۱. تهران: طلایه.
- _____ (۱۳۷۲). فرهنگ سخنوران، ج ۲. تهران: طلایه.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و بهاء‌الدین علمی انواری (۱۳۵۹). فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، ج ۲. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دبیرسیاقی، سید محمد (۱۳۷۵). فرهنگ‌های فارسی به فارسی و فارسی به زبان‌های دیگر و فرهنگ‌های موضوعی و گویش‌های محلی و فرهنگ‌گونه‌ها. چاپ دوم با اضافات. تهران: آرا.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ج ۵. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شاهدی علی‌آباد، عباسعلی (۱۳۸۴). «فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی». آینه میراث. ش ۳-۴ (پیاپی: ۳۰-۳۱): ۳۳۷-۳۶۰.
- صادقی کتابدار [افشار] (۱۳۲۷). تذکره مجمع الخواص. ترجمه عبدالرسول خیام‌پور. تبریز: چاپخانه اختر شمال.

- صدرایی خوبی، علی و ابوالفضل حافظیان بابلی (۱۳۸۳). فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه آستان حضرت معصومه. قم: زائر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵ (بخش ۱). تهران: فردوس.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۵). اشعار فارسی پراکنده در متون (تا سال ۷۰۰ هجری)، ج ۱. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- فاضل، محمود (۱۳۵۵). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج ۱. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فکری، سید محمد جامه‌باف متخلص به فکری مشهور به میر رباعی (۱۳۸۹). رباعیات. به کوشش سید علی میرافضلی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قزوینی، حاجی‌بابا بن میرزاجان (۱۳۰۰ق). مشکول. ترجمه عبارات عربی از محمدباقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی. طهران: چاپ سنگی به دستور صنایع الدوله.
- کشکول (چهار نسخه خطی و چاپ سنگی «نجم‌الدوله») - بهاء‌الدین محمد بن حسین جبل عاملی.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۵۹). «میر رباعی و شیخ رباعی». در: فرخنده‌پیام، یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی. مشهد، دانشگاه مشهد: ۲۸۸-۳۰۱.
- مشار، خان‌بابا (۱۳۵۰). فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۵. تهران: چاپخانه ارژنگ.
- منزوی، احمد (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی.
- _____ (۱۳۸۴). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (بخش کتابخانه).
- منزوی، ع. (۱۳۳۲). فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۸۶). اعلام اصفهان، ج ۱. تصحیح و تحقیق و اضافات غلامرضا نصراللهی. اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل وابسته به شهرداری اصفهان.
- میرافضلی، سید علی (۱۳۷۷). «ابوسعید ابوالخیر و رباعیات دوره صفوی». معارف. دوره ۱۵، ش ۳ (پیاپی: ۴۵): ۴۲-۶۵.
- _____ (۱۳۹۹). «رباعیات ذیل خلاصه اشعار». در: به یاد ایرج افشار، ج ۱. به کوشش جواد بشری. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار [بدون شماره صفحه نهایی، زیر چاپ].
- میرتقی‌الدین کاشانی (۱۳۸۴). خلاصه اشعار و زبدة الافکار، بخش کاشان. به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.

- _____ (۱۳۸۶). خلاصه الاشعار و زبدة الافكار، بخش اصفهان. به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۰۱۳ق). خلاصه الاشعار و زبدة الافكار. نسخه خطی کتابخانه ملک. شماره ۴۰۷۸.
- _____ نجم رازی، نجم‌الدین ابوبکر بن محمد بن شاهاور بن انوشروان رازی معروف به دایه (۱۳۶۵). مرصاد العباد. به اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ نفیسی، سعید (۱۳۱۶). احوال و اشعار فارسی شیخ بهائی. طهران: کتابفروشی و چاپخانه اقبال.
- _____ (۱۳۳۴). سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. طهران: کتابخانه شمس.
- _____ نوشاهی، عارف (۱۳۶۵). فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۱. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- _____ (۱۳۶۹). فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، ج ۲. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- _____ (۱۳۸۱). مقالات عارف در زمینه ادبیات فارسی و نسخه‌شناسی، سی و سه گفتار، [دفتر اول]. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ (۱۳۸۶). مقالات عارف، دفتر دوم. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). خلد برین (ایران در روزگار صفویان). به کوشش میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۸۴). تذکره ریاض الشعراء، ج ۵. مقدمه، تصحیح و تحقیق: سیدمحسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۹۱). تذکره ریاض الشعراء، ج ۲. تصحیح، مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ ولی دشت‌بیاضی، مولانا محمد (۱۳۸۹). دیوان. تصحیح مرتضی چرمگی عمران‌نی. تهران: اساطیر.
- _____ هاشمی سندیلوی، شیخ احمدعلی خان (۱۹۶۸م). تذکره مخزن الغرائب، ج ۱. به اهتمام محمد باقر. لاهور: یونیورسٹی اورینتال کالج.
- _____ هدایت، رضاقلیخان (۱۳۳۶). مجمع الفصحا، ج ۱. به کوشش مظاهر مُصفا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.